

پیشگیری از بزه دیدگی کودکان

مرجان وطنی^۱

چکیده

افزایش نرخ بزه دیدگی کودکان با توجه به تنوع در شکل آن از یک سو و تهدید جامعه از طریق ایجاد احساس ناامنی از سوی دیگر، ارائه سازوکارهایی برای مهار و پیشگیری از این پدیده را ضروری می‌سازد. اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در مراحل قبل و بعد از تکوین بزه دیدگی کودکان در چارچوب پیشگیری کنشی (غیر کیفری) و واکنشی (کیفری) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشگیری کنشی درصدد آن است که با شناسایی و سپس حذف و خنثی سازی عوامل و موقعیت های بزه دیده، از ورود کودکان به وادی بزهکاری و بزه دیدگی جلوگیری کند، در حالی که پیشگیری واکنشی بر ایجاد بینش حمایتی در بخش های مختلف نظام عدالت کیفری جهت پیشگیری از تکرار این پدیده تأکید دارد. بنابراین شناخت گونه های پیشگیری ویژه کودکان گامی مهم جهت اتخاذ سیاست های پیشگیرانه با رویکرد افتراقی نسبت به این قشر آسیب پذیر می باشد که در این مقاله به پیشگیری کنشی از بزه دیدگی کودکان می پردازیم.

واژگان کلیدی: کودک، بزه دیدگی، بزه دیدگی کودکان، پیشگیری، پیشگیری کنشی، کودک در معرض

خطر

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

درآمد

پیشگیری کنشی از بزه دیدگی ناظر است به اقدامات و تدابیری که قبل از بزه دیده شدن طفل اعمال می گردد، پیشگیری در مرحله تکوین شخصیت بزه دیده، در مرحله تشکیل اوضاع ماقبل بزه دیدگی و در مرحله گذر از اندیشه به عمل مجرمانه (acting out) یا فرایند فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه صورت می گیرد. حذف عوامل مؤثر در بزه دیدگی کودکان شامل عوامل فردی (زیستی، روانی) و عوامل عمومی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیطی) و همچنین عوامل موقعیتی (از جمله فرصت های ارتکاب جرم) ضروری است. (عباچی، مریم: 74) بنابراین پیشگیری غیر کیفری (کنشی) از بزه دیدگی کودکان به دو گونه ای اجتماعی و وضعی است.^۲ که طی دو گفتار جداگانه به بررسی و تبیین آن می پردازیم.

گفتار اول: پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودکان

پیشگیری اجتماعی یکی از مهمترین اقسام پیشگیری است که تلاش دارد با تکیه بر تدابیر و اقدامات غیر سرکوب گر به صورت ریشه ای از وقوع جرم و در بحث حاضر از بزه دیدگی کودکان جلوگیری نماید. در این نوع از پیشگیری از بزه دیدگی کودکان، فرایند پیشگیری از تکوین بزه دیدگی عبارت است از: شناسایی بزه دیدگان بالقوه و مستعد، اعمال مراقبت و حمایت های ویژه از بزه دیدگان مستعد، تفهیم و ترویج فرهنگ خود ایمن سازی. (همان: 75)

۱- در ایران پیشگیری کنشی از بزه دیدگی کودکان در قوانین و مقررات پیش بینی شده است از جمله قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آئین نامه های اجرایی آن، قوانین بودجه، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، قانون شرح وظایف آموزش و پرورش، موادی چند از قانون مدنی و ...

در قوانین و مقررات داخلی و بین المللی به پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودکان اشاره و تدابیری که در مرحله ی تکوین شخصیت کودک و جلوگیری از بزه دیده شدن وی مؤثر است مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله این مقررات داخلی قانون آموزش و پرورش اجباری و مجانی مصوب 1322/5/6، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب 1353/4/30، قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب 1372/2/26 (مواد 2 و 3) می باشد. در ماده 2 قانون اخیرالذکر مقرر شده است: وزارتخانه های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف به اجرای برنامه های ذیل می باشند:

الف- وزارت آموزش و پرورش موظف خواهد بود مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان را در متون درسی خود به نحوی مؤثر بگنجاند.

ب- ... و در ماده 3 این قانون سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به تهیه و پخش برنامه های آموزشی جهت ارتقاء سطح آگاهی های عمومی در تأمین سلامت کودکان موظف شده است و نیز قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب 1383/2/21 (بند ط ماده 1، بند ب و ی ماده 4 و بند د ماده 9) که در ماده 4 این قانون هماهنگی بخش های مختلف دولت در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی از اهداف و وظایف حوزه حمایتی و توانبخشی نظام جامع تأمین اجتماعی دانسته شده است، در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب 1383/6/11 به موجب ماده 97 دولت مکلف شده است که به منظور پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب های اجتماعی با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید:

الف- ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروههای در معرض آسیب

د- پیشگیری اولیه از بروز آسیب های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه های درسی دوره آموزش عمومی و پیش بینی آموزش های اجتماعی و ارتقای مهارت های زندگی .

ه- خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب های اجتماعی با مشارکت سازمانهای غیردولتی.

از نظر مقررات بین المللی و در سطح بین المللی گفته می شود که قریب به هشتاد سند و کنوانسیون و مدرک بین المللی به نوعی به مباحث مربوط به حقوق کودک می پردازد. (میرمحمدصادقی، حسین: 25) از جمله این مقررات می توان به اعلامیه حقوق کودک 1924 (1303 ه.ش)، اعلامیه حقوق کودک 1959 مجمع عمومی سازمان ملل متحد (1338 ه.ش)، اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی 1966 (خصوصاً در مواد 23 و 24)، کنوانسیون بین المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی 1966 (خصوصاً در ماده 10)، رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم، قواعد سازمان ملل متحد در مورد حداقل استانداردهای لازم برای اعمال عدالت درباره کودکان موسوم به قواعد پکن در سال 1985، اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای جلوگیری از بزهکاری اطفال 1990 (قواعد ریاض)، اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت 1985، قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از کودک و همکاری در فرزندخواندگی بین کشورها در سال 1993، کنوانسیون حقوق کودک 1989 و قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان حقوق کودک مصوب 2005 اشاره نمود. از میان این مدارک، کنوانسیون حقوق کودک چون به همه ابعاد کودک پرداخته و بیش از همه دارای ضمانت اجرا برای کنترل رعایت مفاد آن اس، (همان) از اهمیت ویژه ای برخوردار است و جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به

کنوانسیون حقوق کودک مصوب 1372/12/1 به این کنوانسیون ملحق شده است و به موجب ماده 9 قانون مدنی این پیمان نامه جزء حقوق داخلی ما شده و قابل استناد بوسیله قضات می باشد.

در کنوانسیون حقوق کودک که مشتمل بر یک مقدمه و 54 ماده است به حقوق کودک و انجام مراقبت های ویژه از کودک که به نوعی (کنوانسیون مذکور به طور صریح به اقدامات پیشگیرانه اشاره ندارد) پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودک است اشاره شده است (مواد 3، 17، 24، 27 و 28، بند 2 ماده 14 و بندهای 2 و 3 ماده 18) در این کنوانسیون مقرر شده است که تمامی کشورهای طرف کنوانسیون، حقوق و درباره هدایت کودک در جهت حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانائی های کودک شود، دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین المللی خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی شود، همکاری های لازم با والدین و قیم های قانونی در جهت اجرای مسئولیت هایش برای تربیت کودک و ایجاد مؤسسات، تسهیلات و خدمات برای نگهداری کودکان، حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش و دستیابی تدریجی به این حق براساس ایجاد فرصت های مساوی (اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی) تضمین و محترم خواهند شمرد.

یکی دیگر از اسناد بین المللی مرتبط با بحث پیشگیری اجتماعی (پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی) سند «اصول راهبردی پیشگیری از جرم شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب 2002» می باشد. از مهمترین محورهای این اصول می توان به مشارکت مردم و جامعه مدنی در پیشگیری از جرم، اولویت بر رویکردهای دانش مدار و اطلاعات محور، توجه به ساختارهای خاص هر کشور، ویژگی های اجتماعی و ظرفیت های اقتصادی و تأثیر آن بر گستره و نیز اجرای برنامه های پیشگیری تأکید کرد. (ابراهیمی، شهرام: 40) در یکی از راهبردهای آن آمده است: «استراتژی های سازمان ملل در زمینه پیشگیری

از جرم نه فقط موجب پیشگیری از جرم و بزه دیدگی می گردد بلکه ضمن تسهیل امنیت گروهی، به توسعه پایدار کشور نیز کمک خواهد نمود. پیشگیری از جرم زمانی که عقلانی، هدفمند و مؤثر باشد، کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و در درازمدت هزینه های نظام عدالت کیفری و سایر هزینه های اجتماعی ناشی از بزهکاری را کاهش می دهد. در این سند بین المللی فراهم کردن آسایش مردم، تشویق رفتارهای اجتماعی سازنده از طریق انجام اقدامات اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و آموزشی به ویژه نسبت به اطفال و نوجوانان و توجه خاص به عوامل خطر (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی) از چارچوبهای فعالیت مقامات دولتی و بخش های جامعه مدنی دانسته شده است.» (همان)

بنا به مراتب مذکور پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودکان به روشهای زیر امکان پذیر است:

الف- حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیدگی کودکان

پیشگیری از طریق حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیده را که نوعی پیشگیری اجتماعی (کنشی) است، با تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به صورت پایدار در صدد جلوگیری از بزه دیدگی است و شامل تدابیری است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر افراد اثر بگذارد تا از آماج جرم بودن، مصون بمانند. این نوع از پیشگیری از بزه دیدگی مانند پیشگیری کنشی از بزهکاری کودکان به دو نوع کلان و خرد تقسیم می شود. سیاست های کلان پیشگیرانه جهت حذف و خنثی سازی عوامل جرم زا ناظر به سیاست هایی است که به صورت ساختار - فرایند و با تمرکز به عوامل فردی و عمومی بزه دیدگی و در سطح فراگیر اتخاذ می گردند و شامل سیاست های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی می شود و سیاست های خرد پیشگیرانه ناظر به تدابیری است که در خانواده، مدرسه، محله و ... اتخاذ می گردد» (عباچی، مریم: 75)

در پیشگیری از طریق حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیده زا، عوامل بزه دیدگی شناسایی شده و

نسبت به مهار و خنثی نمودن اثر آن سیاست گذاری می گردد.

خانواده (والدین)، مدرسه، محله، نظام عدالت کیفری، خصوصیات زیستی – روانی کودک و ... در بزه دیدگی کودک مؤثرند و بایستی درصدد حذف یا خنثی نمودن اثر نامطلوب این عوامل گام برداشت. والدین به موجب مقررات باب دوم کتاب هشتم از قانون مدنی (مواد 1168-1179) و ماده 18 کنوانسیون حقوق کودک مسئولیت عمده و مشترک در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و کوتاهی در امر تربیت توسط خانواده ممکن است طفل را به بزه دیدگی هدایت کند. سازمان ملل متحد نیز به نقش خانواده توجه نموده و در بندهای 35 و 36 سند A/Conf.169/11 خود چنین اشعار داشته است: (رسولی زاده، غلامرضا: 84) «دوران طفولیت و خانواده، نقش قطعی در افزایش رفتار خشونت آمیز ایفا می کند، افراد بالغ خشن غالب اوقات، کودکان پر خاشگیری بوده اند، بعلاوه والدین آنها غالباً خشن بوده اند، بنابراین چنین رفتارهایی در خانواده نسل به نسل منتقل شده و استمرار می یابد. این نکته ثابت شده است که پر خاشگیری در دوران کودکی یکی از مهمترین عوامل خشونت در دوران نوجوانی و بلوغ است و بی توجهی والدین به تربیت کودکان خود ریشه خشونت است. رابطه های دیگری نیز بین پر خاشگیری کودکان و برخی رفتارهای والدین نظیر طرد کودک توسط مادر و تهدید یا استفاده از تنبیهات جسمی و بویژه به هنگامی که سرپرستی به صورت همدمی و بی ثبات انجام گیرد مشاهده شده است، بد رفتاری نسبت به کودکان تا حدود زیادی منجر به خشونت در جهان می شود، این حقیقت که کودکانی که مورد بد رفتاری قرار گرفته اند معمولاً فرصتی برای بیان پریشانی و خشم شان نمی یابند بر وخامت اوضاع می افزاید، بجز مواقعی که خانواده می تواند شرایط لازم برای ورود کودک به نظام دوستان، اشتغال و جامعه فراهم آورد، عوامل هدایت کننده به خشونت همگی یکباره فرا می رسد.»^۳

^۱- نهمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، قاهره، مصر، 29 آوریل تا 8 مه 1995، سند A/Conf-169/11.

عدم آگاهی والدین از شیوه های درست تربیتی و نظارت و کنترل بیش از حد از ناحیه آنان، پایمال کردن شخصیت طفل تحت نظارت آنان، محرومیت از محبت، ناتوانی در ارتباط صمیمانه با کودک، تلقین به اطاعت مسلم از خانواده، قصور در تعلیم مهارت های مستقل به کودک، رابطه خشونت آمیز والدین با یکدیگر، تبعیض بین فرزندان از سوی والدین و ... از عوامل مهم بزه دیده زا به شمار می روند. همچنان که در محیط مدرسه عدم آگاهی مربیان و مسئولین مدرسه از اصول صحیح تربیتی، اقتدارگری معلمین نسبت به دانش آموزان، سیستم آموزشی ناقص و ... از عوامل مؤثر در بزه دیدگی دانش آموزان تلقی می شود در حالی که نظام های آموزشی باید علاوه بر فعالیت های تحصیلی و آموزش حرفه ای به تعلیم ارزشهای بنیادین و ایجاد احترام برای هویت و الگوهای فرهنگی کودک و ارزشهای اجتماعی کشوری که کودک در آن زندگی می کند، ارتقاء و پرورش شخصیت، استعدادها و تواناییهای ذهنی و جسمی کودک و احتراز از بدرفتاری های روانی و اقدامات شدید انضباطی بویژه تنبیه بدنی توجه ویژه مبذول دارند. (ماده 21 رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مصوب 14 دسامبر 1990 مجمع عمومی موسوم به رهنمودهای ریاض) در محلهی سکونت کودک وجود دوستان ناباب را می توان مهمترین عامل مؤثر در بزه دیدگی کودک دانست؛ نتیجهی یک پژوهش حاکی است که 73 درصد از گروه کنترل وجود دوستان ناباب را عامل بزه دیدگی خود دانسته اند. (گودرزی، محمدرضا و ربیعی، ناصر: 136)

از نظر خصوصیات زیستی - روانی کودک می توان گفت که بعضی از ویژگی های کودکی ممکن است آسیب پذیری کودک را نسبت به مسامحه و سوء رفتار جسمی و جنسی بالا ببرد. کودکان نارس، عقب مانده ذهنی، معلول جسمی، کودکان متوقع و ... در معرض خطر بیشتر سوء رفتار قرار دارند.

در حقوق ایران مواد 1170 (رعایت مصلحت طفل با انتقال حق حضانت و نگهداری طفل)، 1183 (نماینده‌گی قانونی ولی قهری در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه) و 1231 قانون مدنی (عدم تعیین اشخاصی که معروف به فساد اخلاقی هستند یا مرتکب جنحه نسبت به اطفال شده اند به سمت قیمومیت)، جرم انگاری مسامحه ولی یا سرپرست صغیر در فراهم نمودن وسایل درمان موضوع قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار مصوب خرداد ماه 1320، ماده 12 قانون حمایت خانواده مصوب 1353 (تعیین ترتیب نگهداری اطفال در صورت صدور گواهی عدم امکان سازش توسط دادگاه)، ماده 3 قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب 1372 (تکلیف سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به ارتقاء سطح آگاهی های عمومی در تأمین سلامت کودکان با تهیه و پخش برنامه های آموزشی رادیو و تلویزیونی) ماده 4 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1381 (جرم انگاری نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان) و بند الف ماده 97 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب 1383، مبنی بر تکلیف دولت به ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروههای در معرض آسیب را می توان از جمله مقرراتی دانست که درصدد حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیده زا و پیشگیری از بزه دیدگی کودکان می باشند.

در مقررات بین المللی نیز برخی اسناد به صورت صریح یا ضمنی به مواردی پرداخته است که می توان گفت در راستای حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیده زا می باشند از جمله مواد 20، 23، 24، 27، 32 و 39 و بند 2 ماده 18 کنوانسیون حقوق کودک و مادتين 14 و 15 اعلامیه‌ی اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت 1985 مجمع عمومی سازمان ملل متحد که مقرر داشته: «بزه‌دیدگان باید در چارچوب ابزارهای حکومتی، داوطلبانه، اجتماع مدار و بومی کمک مادی، پزشکی، روان شناسانه و اجتماعی لازم دریافت کنند. بزه‌دیدگان باید از در دسترس بودن خدمات بهداشتی و اجتماعی و دیگر کمک های مربوط

آگاه شوند و دسترسی فوری و آسان به این خدمات برایشان فراهم شود.» همچنین است ماده 8 قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان حقوق کودک مصوب 2005 که مقرر داشته است: «هر کودک حق داشتن فرصت مناسب برای رشد هماهنگ و همچنین برخورداری از استانداردهای زندگی ای را که برای رشد جسمی، روانی، روحی و اجتماعی لازم است، دارد. اقدامهای مؤثری در جهت توانمندساختن کودک که به نوعی مورد آسیب قرار گرفته جهت برخورداری از رشد سالم باید اتخاذ گردد.» در ماده 25 اصول راهبردی پیشگیری از جرم شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب 2002 نیز آمده است: «دولت ها باید با عوامل ایجاد خطر بزهکاری و بزه دیدگی مقابله کنند و بدین منظور می بایست:

الف- عوامل حمایتی در قلمرو بهداشت، آموزش، مسکن و شغل از طریق برنامه های عمومی تقویت شود ب- ...» در سند دیگری مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد موسوم به رهنمودهای ریاض (1990) نیز آمده است: «سیاست های پیشگیرانه ی تسهیل کننده ی جامعه پذیری و ادغام و مشارکت موفقیت آمیز کلیه کودکان و نوجوانان، بویژه از طریق خانواده، جامعه، گروههای همسالان، مدارس، آموزش حرفه ای و دنیای کار و فعالیت و همچنین از طریق سازمانهای داوطلب باید تأکید گردد. رشد و پیشرفت شخصی مناسب کودکان و نوجوانان باید مورد توجه قرار گیرد و کودکان و نوجوانان می باید در فرآیندهای جامعه پذیری و ادغام اجتماعی به عنوان شرکای تمام و کمال و متساوی پذیرفته شوند. از آنجا که خانواده واحد مرکزی مسئول پرورش اجتماعی اولیه کودکان است، کوششهای دولتی و اجتماعی برای حفظ تمامیت خانواده، شامل خانواده گسترده، باید دنبال گردد، اجتماع دارای مسئولیت مساعدت به خانواده در جهت فراهم آوردن امکانات مراقبت و حمایت از کودکان و تأمین سلامت و رفاه جسمی و روانی آنان می باشد. اقدامات و برنامه هایی در جهت فراهم آوردن فرصت آموزش برای خانواده ها در زمینه نقش و مسئولیت های والدین در رابطه با پرورش و مراقبت های

کودک، ارتقای روابط مثبت والدین و فرزندان، جلب توجه والدین به مسائل کودکان و نوجوانان و تشویق مشارکت آنان در فعالیت های مبتنی بر خانواده و جامعه باید انجام گرفته و تنظیم گردد.»

ب- شناسایی کودکان مستعد بزه دیدگی و تقویت (حمایت و مراقبت) آنها

کودکانی که در معرض بزه دیدگی هستند باید شناسایی شوند تا تحت سیاست های پیشگیرانه از طریق حمایت و مراقبت قرار گیرند. کودکانی را که در معرض انواع بدرفتاریها و سوءاستفاده ها قرار دارند، کودکان در معرض خطر می نامند. به عبارت دیگر می توان گفت «کودکان در معرض خطر افراد صغیری هستند که رشد جسمانی، روانی و اجتماعی و بطور کلی فرایند اجتماعی شدن در آنها در معرض آسیب های جدی قرار دارد.» (کاشفی اسمعیل زاده، حسن: 54)

ماده 1173 قانون مدنی (اصلاحی 1376/8/11) مقرر می دارد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم و یا به تقاضای مدعی العموم، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

- 1- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار
- 2- اشتهار به فساد اخلاق و فحشاء
- 3- ابتلاء به بیماری های روانی با تشخیص پزشکی قانونی
- 4- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی گری و قاچاق
- 5- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.» بنابر ماده مرقوم طفل در معرض خطر به طفلی گفته می شود که بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی او به خطر افتاده است.

اطفال در فرایند رشد و بالندگی به علت ناتوانی از تأمین حوائج و نیازهای خود به نگهداری و مواظبت احتیاج دارند، قانون مدنی این وظیفه را به ابویین طفل سپرده و متذکر شده است که حضانت اطفال تکلیف پدر و مادر محسوب می شود. از مفاد ماده مذکور در قانون مدنی چنین برمی آید که مواظبت و سلامت اخلاقی پدر و مادر باید به میزانی باشد که صحت جسمانی و تربیت اخلاقی طفل را تأمین کند. بنابراین کلیه تدابیر والدین مانند حفظ کودک از سرما و گرما، تأمین خوراک و پوشاک مناسب، اجرای برنامه‌ی درمانی در صورت بروز بیماری و تهیه لوازم توانبخشی و همچنین فراهم کردن زمینه رشد و تعالی اخلاقی طفل مشمول عنوان حضانت می گردد. بدیهی است اگر چنانچه به هر دلیل ضعف و کاستی در ایفای تکالیف مذکور پدید آید و تأمین حوائج مادی و معنوی طفل ممکن نگردد انتظار بروز خطر هرآینه تقویت می گردد.

هرچند به اعتقاد برخی (اردبیلی، محمدعلی: 52) مقوله «اطفال در معرض خطر» هنوز جایگاه شایسته خود را در نظام حقوقی کنونی پیدا نکرده است. باید گفت اوضاع و احوالی که مصداق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادر در محیط خانواده و در نتیجه به مخاطره افتادن صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل است منحصر به موارد مصرح در ماده 1173 قانون مدنی نمی باشد. «بنابراین مواردی مانند غیبت های طولانی و یا فرار طفل از مدرسه نیز ممکن است بنا به تشخیص دادگاه از مصادیق عدم مواظبت والدین قلمداد شود.» (همان)

شناسایی کودکان در معرض بزه دیدگی از طریق گزارش خانواده، مدرسه، بستگان، همسایگان، مربیان (معلمین) و ... صورت می گیرد. در همین راستا ماده 5 آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب جلسه شصت و سوم ستاد مبارزه با مواد مخدر مورخ 1377/11/6، وظایفی را برای وزارت آموزش و پرورش در نظر گرفته است این ماده مقرر می دارد:

« وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم نسبت به اجرای موارد ذیل در وزارت خانه و ادارات تابعه اقدام نماید: 1- ... 2- شناسایی دانش آموزان در معرض آسیب (دانش آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد و زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزش های لازم برای این نوع دانش آموزان. 3- شناسایی دانش آموزان معتاد، مصرف کننده یا توزیع کننده مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی، حمایتی و تأمینی و قانونی برای آنها به نحوی که آسیب روانی و اجتماعی به آنها وارد نشود...» همچنین آیین نامه اماکن عمومی مصوب 1363 صاحبان هتل ها و مسافرخانه ها و پانسیون ها را موظف کرده است در صورت مراجعه اطفال و اشخاصی که به سن قانونی نرسیده و بدون سرپرست هستند و قصد اقامت در اماکن مزبور را دارند بلافاصله مراتب را به شهربانی اعلام دارند.

از بارزترین مصادیق کودکان در معرض خطر بزه دیدگی، کودکان خیابانی هستند. برای این کودکان، خیابان به منزله ی خانه است و دیگر افراد خیابانی برای آنها حکم خانواده را پیدا می کنند. این کودکان یا سرپرستی ندارند و یا در صورت داشتن خانواده به دلیل مسائل مختلف از جمله بزه دیدگی در خانه، زندگی در خیابان برایشان امن تر از زندگی در خانه است. (بخشایش، سعیدرضا و کاشفی اسمعیل زاده، حسن: 29)

کودکان خیابانی به سه دسته عمده تقسیم و طبقه بندی می شوند:

الف) آنهایی که هیچ ارتباطی با خانواده خود ندارند شامل کودکان بی کس، بی خانمان، رانده شده، فراموش شده، فراری، گمشده و دزیده شده.

ب) آنهایی که فقط گاهی با خانواده خود در ارتباط هستند.

ج) آنهایی که همراه خانواده در خیابانها، پارکها و گوشه و کنار شهرها زندگی می کنند.

خطرهایی که این کودکان را تهدید می کند، گرایش به مواد مخدر، سرقت، حمل مواد مخدر، قرار گرفتن در باندهای فساد و فحشاء و مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفتن است که در کنار آن بیماریهای درمان ناپذیری چون ایدز در آنها دیده می شود.

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش پدیده‌ی کودکان خیابانی می توان به « عوامل اقتصادی (فقر، بی عدالتی، بیکاری، فاصله زیاد طبقاتی و درآمد کم) عوامل اجتماعی (ازدیاد جمعیت، مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به کلان شهرها، ساختار جمعیتی و جوان بودن جمعیت، فاصله زیاد بین نسلها و تغییر ارزشهای اجتماعی، خشونت با کودکان و نبود سازمان های حمایت کننده از کودکان) عوامل خانوادگی (خانواد پر جمعیت، خانواده پرتنش، فوت یا جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، بیماری روانی والدین، وجود ناپدری و نامادری و ...) عوامل زیستی – روانی کودک (بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از خانه و مدرسه، اعتیاد و اختلالات روانی و ...) اشاره کرد. (نفیسی، غلامرضا: 307-305)

به استناد اصول بیست و یکم و بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند الف ماده 15 قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و ماده 97 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی (موضوع مادتين 13 و 14 قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب 1383/2/21) در جلسه مورخ 84/3/11 آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی را تصویب نمود. به موجب بند 1 ماده یک این آیین نامه منظور از کودک خیابانی فرد کمتر از 18 سال تمام است که چه به صورت محدود و چه نامحدود در خیابان بسر می برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد. و از سرپناه برخوردار است و یا کودکی که خیابان را خانه خود می داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد.

در آیین نامه مزبور مقرراتی راجع به شناسایی، جذب و ساماندهی کودکان خیابانی ذکر و به موجب ماده 2 آیین نامه مرقوم «سازمان بهزیستی کشور موظف شده است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن های خیریه، تشکل های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی (در قالب تیم تخصصی سیار مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری ها ساماندهی خواهد شد) نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استانها و در صورت صلاحدید کارگروه اجتماعی استان در شهرهای بالای دویست هزار نفر اقدام نماید.» به موجب تبصره یک همین ماده «نیروی انتظامی موظف است در مواردی که سلامت جسمانی و روانی کودک در معرض خطر جدی قرار می گیرد در امر جذب با سازمان بهزیستی کشور همکاری خواهد نمود.»

در این آیین نامه مراکز کودکان خیابانی که مراکزی هستند که در آنها خدمات تخصصی به کودکان خیابانی ارائه می شود، تعریف و این مراکز چهار سطح هستند: الف- مراکز و پایگاههای سطح یک (سرپایی): مراکز و پایگاههای ثابت و سیاری که بدون اقامت کودک نسبت به ارائه خدمات سرپایی به وی و خانواده اش اقدام می نمایند.

ب- مراکز سطح دو (اقامت کوتاه مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا 21 روز فراهم می کنند.

ج- مراکز سطح سه (اقامت میان مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر یا یکسال مهیا می کند.

د- مراکز سطح چهار (اقامت درازمدت): مراکزی که امکان اقامت کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست تا پایان

سن 18 سالگی را تأمین می کند. لازم به ذکر است که به موجب ماده 6 آیین نامه مذکور نیروی انتظامی از

جهت برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی آیین نامه و تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار، دادگستری از

جهت صدور مجوزها و احکام قضایی لازم در مراحل مختلف ساماندهی و ارائه مشاوره حقوقی لازم جهت

تسهیل ساماندهی کودکان خیابانی، شهرداری از جهت تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی به استناد ماده 6 قانون شهرداریها و تأمین امکانات مورد نیاز ساماندهی با تصمیمات کارگروه اجتماعی استان، وزارت کار و امور اجتماعی از جهت ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال را به خانواده های جویای کار کودکان خیابانی و آموزش رایگان مهارت های شغلی به خانواده ی کودکان خیابانی توسط سازمان آموزش فنی و حرفه ای، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از جهت تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان خیابانی و خانواده درجه اول آنان و تأمین پزشک و پرستار مورد نیاز مراکز ساماندهی کودکان خیابانی و ارائه خدمات بهداشت و درمان لازم در مراکز سطح 2 و 3، سازمان بیمه خدمات درمانی از جهت تأمین و صدور بیمه نامه خدمات درمانی برای کودک و خانواده درجه اول وی حسب اعلام بهزیستی استانها، سازمان تأمین اجتماعی از جهت پوشش درمانی و خدمات مورد نیاز کودک و خانواده درجه اول وی در مراکز درمان و بیمارستانهای تابعه بدون دریافت وجه، سازمان صداوسیما از جهت انجام اقدامات فرهنگی و تبلیغی لازم، تهیه برنامه ها و تیزرهای لازم برای آگاه سازی اقشار مختلف جامعه و همکاری رسانه ای با سازمانهای مسئول در جهت انجام وظایف محوله به آنان، جمعیت هلال احمر از جهت تأمین خدمات حمایتی و انسان دوستانه جهت کمک به کودک و خانواده وی در حد مقدور حسب درخواست بهزیستی استانها، وزارت آموزش و پرورش از جهت هشدار و آگاه سازی اولیاء دانش آموزان از طریق طرح مسئله توسط انجمن های اولیاء و مربیان، شناسایی و راهنمایی دانش آموزانی که در معرض آسیب هستند از طریق مشاور مدرسه با همکاری مددکاران سازمان بهزیستی و ارائه آموزشهای لازم و آگاه سازی دانش آموزان توسط مربیان و معلمان در خصوص خطرات فرار از خانه و گروههای آسیب رسان و دام های اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره) از جهت اعمال حمایت های لازم از خانواده های پوشش حمایتی که دارای کودکان خیابانی بوده اند، با سازمان بهزیستی همکاری خواهند نمود. با توجه به مراتب مذکور و علیرغم وجود آیین نامه ی نسبتاً جامع، وجود کودکان خیابانی که هر روز شاهد

آنها هستیم حکایت از عدم اجرا یا اجرای ناقص مقررات در این زمینه دارد و امید است که با ساماندهی این قشر آسیب پذیر شاهد کاهش بزه دیدگی کودکان باشیم.

علاوه بر کودکان خیابانی، کودکانی که در خانواده های پرجمعیت، خانواده هایی که والدین دچار اختلالات فکری و روانی هستند، خانواده از هم گسیخته (اشراقی، محمود: 118-119)، خانواده هایی که رفتار والدین نسبت به یکدیگر و با کودک توأم با خشونت است، خانواده هایی که سابقه اعتیاد به مواد مخدر دارند (جوادیان، سیدرضا: 415)، خانواده هایی که والدین سابقه محکومیت کیفری یا سوء پیشینه دارند، خانواده های تک والدی، خانواده های با درآمد پایین و وضعیت اقتصادی ضعیف، سر می برند و همچنین کودکانی که از یک مشکل روانی رنج می برند، بیشتر در معرض بزه دیدگی قرار دارند. کودکان اخیر سه گروه هستند: کودکان غیرعادی، کودکان دشوار و کودکان طرد شده. (حسین، لیلا: 64) کودکان غیرعادی روانی - جسمی کودکانی هستند که دچار اختلالاتی چون ناهنجاری مادرزادی، نقایص هیجانی و عاطفی، نقایص بینایی و شنوایی، فلج مغزی، عقب ماندگی ذهنی و مانند اینها هستند. کودک دشوار، کودکی است که برخی عوامل غیرطبیعی همچون پیش فعالی، بدخلقی، سازش ناپذیری و حتی در مواردی ظاهر زشت و بدقیافه، با وجود سلامت جسمانی کودک، دشواریهایی را برای خانواده به بار می آورد. به عنوان مثال کودکی که برقراری ارتباط با او مشکل است و یا بسیار گریه می کند و ناآرام است، موجب القاء حس عدم مهارت در نگهداری از کودک می شود، در چنین مواردی ممکن است والدین برای کنترل رفتارهای غیرعادی و تأدیب کودک به مجازات کودک و تنبیه بدنی وی دست بزنند. کودکان طرد شده، کودکانی هستند که حاصل بارداری های ناخواسته یا نامشروع بوده و یا کودکانی که با انتظارات و آرزوهای والدین از لحاظ جنسیت، ظاهر، میزان هوش و توانایی و ... هماهنگ نیستند و همچنین فرزندخوانده ها در زمره این کودکان هستند. کودکانی که خود را

طرد شده می‌بینند برای جلب توجه والدین خود ممکن است به رفتارهای بزهکارانه و نابهنجار دست زنند و این رفتار کودک می‌تواند عاملی باشد که او را در معرض بزه دیدگی قرار دهد. (همان)

گفتنی است، علل و عوامل ذکر شده که کودک را در معرض خطر بزه دیدگی قرار می‌دهند به این معنا نیست که وجود این عوامل حتماً بزه دیدگی کودکان را در بر خواهد داشت بلکه اینها عواملی است که با بزه دیدگی کودکان ارتباط دارند و قرینه‌ای برای شناسایی کودکان در معرض خطر بزه دیدگی محسوب می‌شوند.

در حقوق ایران علاوه بر مقررات سابق المذکر می‌توان مواد 1199 (الزام ولی قهری به انفاق فرزند) 1218 (نصب قیم برای صغیری که ولی خاص ندارد) و 1219 قانون مدنی، مادتين 55 و 56 قانون امور حسبی، ماده 6 قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار مصوب 1320، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب 1353، قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب 1353 (بویژه ماده 12)، قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب 1362 و اصلاحی 1371 و آیین نامه اجرایی این قانون مصوب 1374، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1381، جرم انگاری ترک انفاق فرزند واجب النفقه (ماده 642 قانون مجازات اسلامی)، جرم انگاری بکار گماردن اطفال کمتر از 12 سال در کارگاههای فرشبافی موضوع قانون تشدید مجازات به کار گماردن اطفال کمتر از 12 سال در کارگاههای فرشبافی مصوب بهمن ماه 1347 و از نظر اسناد بین الملل مواد 9، 20 و بند 3 ماده 23 کنوانسیون حقوق کودک و نیز کنوانسیون سازمان بین المللی کار (این کنوانسیون به موجب قانون مصوب آبان ماه 1380 به تصویب رسیده و دولت جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق شده است) را در راستای حمایت از اطفال در معرض خطر بزه دیدگی دانست.

پس از شناسایی کودکان در معرض بزه دیدگی، جهت جلوگیری از وقوع بزه دیدگی کودکان و حمایت از کودکان در معرض خطر باید مراکزی جهت گزارش دهی کودکانی که در معرض بزه دیدگی هستند ایجاد شود، امکاناتی فراهم گردد که خانواده های کودکان در معرض خطر با رضایت و همکاری به تشکیل گروههای خودیاری بپردازند و در آن گروهها نیازهای خود و کودکانشان را شناسایی کنند و از اقدامات پیشگیرانه ی این گروهها مثل آموزش بهره مند شوند، بایستی تدابیری اتخاذ شود که خانواده ی کودکان در معرض خطر تحت برنامه های بازدید از منازل قرار گیرند، در این صورت اگر بزه دیدگی کودک رخ دهد، سریعتر شناسایی شده و اقدامات پیشگیرانه بعدی صورت می گیرد. آموزش و ارتقاء سطح آگاهی والدین در زمینه اصول تربیتی صحیح و افزایش مهارت آنان در برخورد با کودکان دشوار باید جدی گرفته شود و توجه حمایتی ویژه به کودکانی که دارای والدین معتاد به مواد مخدر، بیکار یا شغل کم درآمد هستند و کودکانی که والدینشان از یکدیگر طلاق گرفته یا دارای بیماریهای مزمن روانی هستند مبذول گردد.

ج- ایمن سازی کودکان در معرض بزه دیدگی

گسترش و تنوع جوامع، عملیات و اقدامات سازمانها و مسئولانی را که در امر پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی فعالیت می نمایند، تحت الشعاع ساخته و آن را ناکافی گردانده است. انتظار پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی از متولیان سیاست جنایی، بدون اعمال اقدامات فردی امری بیهوده است. بلکه همانگونه که سیاست گذاران امر بهداشت در کنار بهداشت عمومی، رعایت بهداشت فردی را نیز توصیه می کنند لازم است کلیه افراد یک جامعه خصوصاً بزه دیدگان مستعد و بالقوه در صدد مراقبت از خود و رعایت اقدامات لازم به منظور خودایمن سازی برآیند. ارتقاء و ترویج فرهنگ خودایمن سازی کودکان در مقابل بزهکاری مستلزم ارائه اطلاعات و آگاهیهای لازم به صورت مستمر به کودکان و افراد جامعه می باشد. یکی از روشهای مؤثر تقلیل آماج های جرایم و پیشگیری از بزه دیدگی، اعلام به موقع موقعیت های پرخطر، زمان ها و مکان های جرم زا، سنین و سایر ویژگی های در معرض خطر است. مقام های مسئول سیاست جنایی ناگزیرند با معرفی کانونهای

خطر مردم را به خودایمن سازی دعوت کنند، هر چند که این حقیقت خود قربانی سیاست های جرم پوشی و عادی جلوه دادن حوادث می شود. لکن عملی ساختن آن ضروری است و اهمیت آن بسیار بالاتر از اعلام آلودگی هوا توسط مسئولان بهداشت محیط و درخواست از افراد ضعیف و مریض برای بکار بستن احتیاطهای لازم می باشد. بنابراین دادن آگاهیهای لازم به اعضای جامعه و کودکان مستعد بزه دیدگی می تواند منجر به کاهش آن و پیشگیری گردد. در این راستا ماده 3 قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب 1372 مقرر داشته است: «سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف است جهت ارتقاء سطح آگاهی عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت، برنامه های آموزش رادیویی و تلویزیونی به طور مستقیم و غیرمستقیم تهیه و پخش نماید.»

در کنوانسیون حقوق کودک 1989 به لزوم ارائه آگاهیهای لازم به کودک نیز توجه شده و ماده 17 این کنوانسیون مقرر می دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون به عملکرد مهم رسانه های گروهی واقف بوده و دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین المللی خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می شود را تضمین می کنند. در این راستا کشورها اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد: الف- تشویق رسانه های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودک استفاده های اجتماعی و فرهنگی داشته و با روح ماده 29 نیز مطابق باشد...»

آموزش افراد جامعه نیز از دیگر روش های تقلیل بزه دیدگی است. اصولاً پیشگیری از بزه دیدگی و دشوار ساختن فرایند فعلیت یافتن جرم زمانی تحقق می یابد که آحاد جامعه در دو جهت آموزشهای کافی ببینند، در وهله نخست، آموزشهای یاد شده باید بر محور جلوگیری از «در مخاطره واقع شدن»، متمرکز شود و بخش دیگر آموزشها باید در جهت رهایی از خطر و کاهش صدمات در صوت «واقع شدن در مخاطره» عملی گردد. بنابراین آحاد جامعه و بویژه کودکان مستعد بزه دیدگی باید از طریق آموزش دریابند که چگونه در

موقعیت مخاطره واقع نشوند و اگر در مخاطره واقع شدند، چگونه فرایند تحقق جرم را مشکل ساخته و خود را غیرقابل اصابت نمایند. آموزش کودکان از طریق مدرسه، مؤسسات آموزشی و خانواده امکان پذیر است همچنین می توان با آموزش اصول تربیتی صحیح به والدین درصدد ایمن سازی کودکان برآمد، کودکان بایستی از طریق والدین مهارت های زندگی از قبیل مهارت کنترل خشم، مهارت مقابله با استرس، مهارت تصمیم گیری ... را بیاموزند. اهمیت آموزش والدین زمانی بیشتر تأکید می گردد، که بدانیم که یکی از شیوه های آموختن نظام رفتاری از طریق مشاهده و الگوپذیری است. روان شناسی بنام بندورا معتقد است که مشاهده و الگوگیری، اساس یادگیری اکثر رفتارهای پیچیده انسان است، به عقیده او، تقریباً تمام رفتارهایی را که ما از طریق یادگیری مستقیم می آموزیم، می توان با مشاهده رفتارهای دیگران و نتایج حاصل از آنها آموخت. برای مثال، حتماً لازم نیست شکستن پای خود را تجربه کنیم تا بفهمیم که چه عوارض روانی ناگواری دارد، زیرا چنین تجربه ای را در دیگران مشاهده کرده ایم، در مورد آن خوانده ایم و تصاویر آن را در تلویزیون و سینما دیده ایم بنابراین نقش یادگیری از طریق مشاهده در زندگی انسان فوق العاده حائز اهمیت است. کودکان از طریق مشاهده می آموزند که چگونه درس بخوانند، بازی کنند و به انجام دیگر فعالیتها و رفتارهایی از قبیل دوستی، مهربانی، پرخاشگری، همکاری، ناسازگاری و مانند آنها پردازند. در بسیاری از موارد کودکان توسط مشاهده مستقیم از رفتار آموخته شده الگوپذیری می کنند. (شاملو، سعید: 109) بنابراین آموزش خانواده ها (والدین) و شناساندن نیازهای کودک اعم از روانی، جسمی، آموزشی و ... به خانواده ها و هشدار مکرر به والدین به منظور جلوگیری از مورد غفلت واقع شدن این نیازهای کودک توسط آنها امری ضروری است.

در کنار خانواده، نقش آموزش و پرورش و رفتار معلمین حائز اهمیت است. معلمین می توانند با اجرای برنامه های فرهنگی، تجهیز کتابخانه های مدارس و گسترش مشاوره، نسبت به آگاه سازی دانش آموزان

و آموزش مهارت‌های زندگی هنجارمند به آنان، اقدام نمایند. در همین راستا مقنن در بند الف ماده 2 قانون تنظیم خانواده و جمعیت، وزارت آموزش و پرورش را موظف نموده است که مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان را در متون درسی خود به نحوی مؤثر بگنجانند و به موجب بند ب ماده 97 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دولت مکلف به بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزشهای دینی و هنجارهای اجتماعی گردیده است.

تقیب اجتماعی بی احتیاطی‌ها و پیش‌بینی‌های مناسب برای آنها، یکی دیگر از روش‌های رایج خودایمن‌سازی است، چرا که برخی از قربانیان جرایم با انجام فعل و یا ترک افعال و سوسه انگیز و اغواگر خود در ایجاد جرم سهیم بوده، نه فقط مجرم را به سوی خود می‌کشانند بلکه بعضاً فکر و انگیزه جرم را در مجرم ایجاد می‌کنند و به عبارتی دیگر، فرد عادی را به مجرم تبدیل می‌کنند. نهایتاً اینکه مصون‌سازی کودکان از طریق پیشگیری موقعیت مدار ناظر بر حذف و تغییر موقعیت‌های بزه دیده‌زا مانند ایجاد تسهیلات جهت شرکت کودکان در کلاسهای فوق برنامه و در ساعات‌های خلوت از جمله در نظر گرفتن سرویس‌های حمل و نقل یکی دیگر از شیوه‌های پیشگیری از بزه دیدگی کودکان است که موضوع گفتار بعدی است.

گفتار دوم: پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان

پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های جرم‌زا یا بزه دیده‌زا یا همان پیشگیری موقعیت مدار، به عنوان اقدام‌های قابل پیش‌بینی و ارزیابی مقابله با بزه و بزه دیدگی است و از طریق اعمال مدیریت با مداخله در محیط بدون واسطه به شیوه‌ای پایدار و نظام‌مند منجر به کاهش فرصت‌های جرم و افزایش خطرات جرم که همواره مدنظر تعداد زیادی از مجرمان بوده است، می‌شود. (رزنام، دنیس: 66) به عبارت دیگر پیشگیری موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد آن است که از طریق جاذبه‌زدایی از آماج، فزونی خطر شناسایی، احتمال دستگیری بزه‌کار و به طور کلی نامناسب جلوه دادن وضعیت پیش‌جناایی، آمار جرایم را مهار کند. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، الف: 140)

بنابراین هرگونه مداخله در وضعیت پیش جنایی از طریق ایجاد محدودیت در فرصت ارتکاب جرم یا سخت کردن پیدایش فرصت یا شرایط مناسب برای ارتکاب جرم پیشگیری موقعیت مدار محسوب می شود. برنامه های پیشگیری موقعیت مدار غالباً در دو سطح عام و خاص می تواند مؤثر واقع گردد. (عباسی، مریم: 75)

پیشگیری موقعیت مدار عام، بدون تمرکز بر جرم ویژه یا وضعیت خاص فرد بزهکار یا بزه دیده درصدد حذف یا تغییر موقعیت های جرم زا است مانند نصب چراغ های روشنایی در معابر خلوت و تاریک جهت جلوگیری از بزهکاری.

پیشگیری موقعیت مدار خاص یا موردی درصدد حذف یا تغییر موقعیت های جرم زا با تمرکز بر انواع خاصی از جرایم یا آماج و بزه دیدگان خاص است مانند ایجاد تسهیلاتی جهت رفت و آمد دختران یا کودکانی که در کلاسهای فوق برنامه آموزشی و در ساعات پرخطر شرکت می کنند، جهت پیشگیری از کودک آزاری. بنابراین یکی از اهداف مهم و اصلی پیشگیری وضعی بر هم زدن موقعیت مساعد و مناسب بزه دیدگی و جلوگیری از وقوع بزه دیدگی از این طریق است، باید وضعیت و شرایط را آنگونه رقم زد و طراحی نمود که فرد در شرف بزهکاری، فرصت ارتکاب جرم را بدست نیاورد و در نتیجه بزه دیدگی تحقق نیابد. از جمله این اقدامات می توان به: محافظت و مراقبت از آماجهای جرم به نحوی که دسترسی بزهکاران بالقوه به آنها ناممکن یا دشوار گردد، برهم زدن و از بین بردن شرایط محیطی مستعد و مناسب ارتکاب جرم مثل روشن نمودن محل های تاریک و تسطیح مخروبه ها، حضور پلیس در مکانهایی که خطر بزه دیدگی بالایی وجود دارد، از بین بردن جاذبه هایی که موجب جلب نظر بزهکاران به سمت بزه دیدگان می شود مانند الزام به رعایت حجاب در سیاست جنایی اسلام و ... اشاره نمود. (میرخلیلی، سیدمحمود: 78)

«یکی از زمینه های کاربرد پیشگیری وضعی، بزه دیدگان تکراری می باشد. چنانکه تاکنون معلوم گردیده و آثار وسیع منتشر شده نشان می دهد خطر بزه دیدگی آتی کسانی که یک بار بزه دیده جرمی واقع

شده اند در مقایسه با سایرین به مراتب بیشتر است، عقیده عمومی بر این است که تکرار بزه دیدگی در خشونت های خانگی نه تنها ممکن بلکه در صورتی که بزه دیده در آن وضعیت باقی بماند حقیقتاً محتمل است. در حال حاضر تحقیقات نشان داده است که بزه‌دیدگان سرقت های به عنف 9 برابر بیشتر و بزه‌دیدگان آزار و اذیت جنسی 35 برابر بیشتر از سایرین در معرض بزه دیدگی بعدی هستند.» (رزنبام، دنیس و لوریسیو، آرتور و داویس، روبرت: 170)

از جمله مسائل مهم جرم شناسی این است که چرا بزه دیدگی ثانوی اتفاق می افتد؟ با دستگیری و مجازات مجرم از یکسو و تجارب حاصل از وقوع جرم برای بزه دیده از سوی دیگر انتظار می رود که بزه دیده دیگر بار آماج جرم قرار نگیرد، اما آمارها خلاف این را نشان می دهد.

یکی از دیدگاهها درباره علل بزه دیدگی ثانوی نظریه انتخاب منطقی بزهکاران است مطابق این نظریه، بزهکاران آماجهای بالقوه خود را با حسابگری انتخاب می نمایند. یکی از نتایج این نظریه، پذیرش این مسأله است که تحلیل منطقی از موقعیتها در مواردی زمینه بزه دیدگی مجدد برخی بزه‌دیدگان را فراهم می سازد. (فارل، گراهام و فیلیپس، کودتا و پیس، کن: 141)

در مورد بسیاری از جرایم، میزان و تنوع میان بزه‌دیدگان ثانوی به شکلی است که به نظر می رسد نتیجه فعالیت یک مجرم باشعور باشد. مبنای بزه دیدگی ثانوی در تئوریهای انتخاب منطقی و فعالیت های معمول جست و جو می شوند. (همان)

در سال 1979 مارکوس فلسون و لورنس کوهن این فرضیه را مطرح کردند که یک جرم برمبنای اتحاد سه عنصر اتفاق می افتد: 1- یک مجرم با انگیزه (motivated offender) 2- یک قربانی بالقوه (suitable victim) و 3- فقدان یک مراقب قابل (Absence of a capable guar diam) نظریه آنها

ارتباط قوی با تئوریهای شیوه و سبک زندگی داشت که به موجب آن خطر بزه دیدگی به وسیله عوامل آشکار مرتبط با شیوه زندگی بزه دیده تحت تأثیر قرار می گیرد. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ب: 248-239)

«کورنیش و کلارک در کتاب سال 1986 خود با عنوان مجرم استدلالی، تئوری انتخاب منطقی را گسترش دادند، نویسندگان نشان دادند که چگونه تصمیمات مجرمان اغلب دارای حداقل خصیصه ای از منطقی است. برای بزهکاران، منطقی است که اموالی را هدف قرار دهند که به سادگی قابل حمل و نقل باشد مانند تلویزیون و ویدئو (آماج مناسب) و یا جایی که هیچ نشانه ای مبنی بر تصرف (مراقبت کم) وجود ندارد چرا که این امر، بخت یک سود زیاد را افزایش می دهد و از میزان خطر می کاهد، بطور خلاصه ارتباط میان نظریه های فعالیت معمول و انتخاب منطقی این است که قضاوت در مورد مناسب بودن بزه دیده و موقعیت مراقب، بیانگر یک انتخاب معقول است. یک شخص یا محل خاص ممکن است بوسیله بزهکار قبلی یا بوسیله بزهکاران جدید مورد بزه واقع شود. تا زمانی که یک بزه دیده مشخصات ثابتی در خود دارد که خطر بزه دیدگی آینده را بالا می برد ممکن است از طرف بزهکاران متفاوت (منطقی) مورد بزه واقع شود.» (فارل، گراهام و فیلیپس، کورتا و پیس، کن: 141)

بنظر می رسد که تئوری انتخاب منطقی بزهکار بویژه در مورد بزه دیدگی ثانوی به خوبی کاربرد دارد. جرایم علیه یک هدف خاص توسط بزهکاران سابق بر مبنای تجارب بزه دیدگی قبلی و تصور خطرات و منافع شناخته شده استوار است. این انتخاب منطقی بر مبنای علم بزهکار با انگیزه در مورد مناسب بودن بزه دیده و احتمال فقد مراقبهای قابل است. برای جرایم ثانویه علیه یک هدف که توسط بزهکاران مختلف صورت می گیرد، عوامل تصمیم گیری منطقی که انتخاب هدفها را تحت تأثیر قرار می دهد، آنهایی خواهد بود که بزهکاران قبلی را به هدف قرار دادن بزه دیده خاص تشویق می کنند. بنابراین می توان با تغییر موقعیت هایی که

کودکان را به بزهدیدگان مناسب برای بزهدکاران با انگیزه تبدیل می کند نسبت به پیشگیری موقعیت مدار از بزهد دیدگی کودکان همت گماشت.

بنابراین مهمترین کاربردهای پیشگیری وضعی را برای پیشگیری از بزهد دیدگی اطفال می توان به قرار زیر دانست:

- کاهش آسیب پذیری آماج جرم (مانند استفاده از سرویس مدرسه برای دانش آموزان و نظایر اینها)
- حذف آماجهای جرم (مانند دادن کارت های اعتباری به کودکان بجای پول نقد)
- حذف ابزارهای ارتکاب جرم (مانند ممنوع ساختن حمل یا ورود سلاح گرم یا سرد در مدارس و سایر مراکز حضور کودکان)
- تقویت نظارت رسمی از آماجهای جرم (نظیر استخدام نگهبان و سرایداری برای مکانهای تجمع اطفال)
- بکارگیری مدیریت محیطی (نظیر یکسان کردن تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی کودکان)

نتیجه گیری

پیشگیری از پدیده بزه دیدگی کودکان به لحاظ تاثیر آن بر کودک و اجتماع با توجه به افزایش نرخ آن امری ضروری است. با توجه به اینکه عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... زمینه ساز بزه دیدگی کودکان است، پیشگیری از این امر از سویی مستلزم اتخاذ تدابیر و راهبردهای غیر سرکوبگر است که با تاثیر بر فرد یا اجتماع در مراحل قبل از تکوین بزه دیدگی موجبات کاهش و کنترل این پدیده را فراهم می سازند و از سوی دیگر رسیدن به این هدف ما را ناگزیر از بهره گیری از روشهای کیفی (واکنشی) مینماید. پیشگیری کنشی از بزه دیدگی ناظر است بر اقدامات و تدابیری که قبل از بزه دیده شدن طفل اعمال می گردد، پیشگیری در مرحله تکوین شخصیت بزه دیده، در مرحله تشکیل اوضاع ما قبل بزه دیدگی و در مرحله گذر از اندیشه به عمل مجرمانه. بنابراین پیشگیری غیر کیفی (کنشی) از بزه دیدگی کودکان به دو گونه پیشگیری اجتماعی و وضعی است.

پیشگیری اجتماعی تلاش دارد با تکیه بر تدابیر غیر سرکوبگر به صورت ریشه ای از وقوع جرم و بزه دیدگی جلوگیری نماید. در این نوع از پیشگیری فرایند پیشگیری از تکوین بزه دیدگی عبارت است از: شناسایی بزه دیدگان بالقوه و مستعد، اعمال مراقبت و حمایت ویژه از بزه دیدگان مستعد و ترویج و تفهیم فرهنگ خود ایمن سازی.

در مقررات داخلی و بین المللی به پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودکان اشاره شده و تدابیری که در مرحله تکوین شخصیت کودک و جلوگیری از بزه دیده شدن وی موثر است مورد توجه قرار گرفته است که می توان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، قانون تشکیل سازمان بهزیستی و... و نیز کنوانسیون حقوق کودک 1989، قطعنامه سازمان ملل متحد با عنوان حقوق کودک مصوب 2005، اعلامیه حقوق کودک 1959 و... را نام برد.

با توجه به مقررات داخلی و بین المللی و نیز دکترین حقوق می توان گفت که پیشگیری اجتماعی از طریق حذف و خنثی سازی عوامل بزه دیدگی کودکان، که با تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به صورت پایدار در صدد جلوگیری از بزه دیدگی است، شناسایی کودکان مستعد بزه دیدگی و در معرض خطر و حمایت و مراقبت کافی از آنها از رهگذر نهادهای مربوطه و ایمن سازی کودکان در معرض بزه دیدگی با آموزش خانواده و کودکان، در صدد کنترل و کاهش این معضل اجتماعی است.

پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان با حذف یا تغییر موقعیت های بزه دیده زا و از طریق مداخله در محیط بدون واسطه و مشرف بر جرم علیه کودک به شیوه ای پایدار و نظام مند در صدد کنترل این پدیده است. با توجه به اینکه بر اساس نظریه انتخاب منطقی، بزهکاران آماجهای بالقوه خود را با حسابگری انتخاب می نمایند می توان گفت که تحلیل منطقی از موقعیتها در مواردی زمینه بزه دیدگی مجدد برخی بزه دیدگان را فراهم می سازد بنابراین تازمانی که یک بزه دیده (کودک) مشخصات و موقعیت های ثابتی در خود دارد که خطر بزه دیدگی آینده را بالا می برد ممکن است از طرف بزهکاران متفاوت (منطقی) مورد بزه واقع شود، لذا می توان با تغییر موقعیت هایی که کودکان را به بزه دیدگان مناسب برای بزهکاران با انگیزه تبدیل می کند نسبت به پیشگیری موقعیت مدار از بزه دیدگی کودکان همت گماشت.

منابع و مأخذ

- 1- عباچی، مریم، پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره 47، تابستان 1383.
- 2- میرمحمدصادقی، حسین، مروری بر پیمان نامه حقوق کودک در پرتو قوانین ایران، ماهنامه قضاوت، شماره 35.
- 3- ابراهیمی، شهرام، اصول راهبردی سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم، ماهنامه تعالی حقوق، شماره 5، بهمن ماه 1385.
- 4- رسولی زاده، غلامرضا، اصول راهبردی سیاست جنایی کنوانسیون بین المللی حقوق کودک در قلمرو بزهکاری اطفال، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، سال 1375.
- 5- گودرزی، محمدرضا و ربیعی، ناصر، علل بزه دیدگی اطفال بزهکار، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، آبان ماه 1382.
- 6- کاشفی اسمعیل زاده، حسن، بررسی وضعیت کودکان خیابانی در مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال 1379.
- 7- اردبیلی، محمدعلی، اطفال در معرض خطر، ماهنامه قضاوت، شماره 45، سال 1386.
- 8- بخشایش، سعیدرضا و کاشفی اسمعیل زاده، حسن، کودکان خیابانی، قربانیان بی پناه خشونت دستگاه عدالت کیفری، مجله امنیت، شماره 12 و 11، خرداد و تیرماه 1379.
- 9- نفیسی، غلامرضا، بررسی مسائل کودکان خیابانی، با تأکید بر بزه دیدگان دختر، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، آبان ماه 1382.

- 10- اشراقی، محمود، بررسی علل و عوامل بزه دیدگی در خانواده، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، آبان ماه 1382.
- 11- جوادیان، سیدرضا، بررسی پدیده خشونت در خانواده های دارای پدر معتاد، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، آبان ماه 1382.
- 12- حسین، لیلا، پیشگیری از بزه دیدگی کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال 1386.
- 13- شاملو، سعید، مکتب ها و نظریه ها در روان شناسی شخصیت، چاپ هشتم، انتشارات رشد، سال 1384.
- 14- رزنام، دنیس و لوریسیو، آرتور و راویس، روبرت، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه پرویزی، رضا، مجله حقوقی - قضایی دادگستری، شماره 32، سال 1379.
- 15- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 26 و 25، سال 1378.
- 16- میرخلیلی، سیدمحمود، بزه دیده شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره 11، سال سوم، زمستان 1385.
- 17- فارل، گراهام و فیلیپس، کورتا و پیس، کن، چرا بزه دیدگی ثانوی اتفاق می افتد؟ ترجمه کارگری، نوروز ، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره 9، تابستان 1385.
- 18- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم، سال تحصیلی 83-84.